



ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةَ

دارای شاخه‌های ترو تازه است.

وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ

فعل ماضی

و چگونه یک درخت شده است؟

يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ

فعل مضارع

از آن میوه بیرون می‌آورد؟

جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَهُ

پاره‌های آتش آن فروزان است.

حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

گرما پراکنده می‌شود.

فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

در آسمان مانند پاره آتش؟

أَنْعَمُهُ مِنْهُمْ

نعمت‌هایش ریزان است.

وَ قُدْرَةٌ مُقْتَدِرَةٌ

و قدرتی بسیار است.

أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

فعل ماضی

در آن ماه را پدید آورده است؟

كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ

مانند مرواریدهای پراکنده

أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

فعل ماضی

از آن باران را نازل کرده است؟

أَنْظُرْ لَيْلِكَ الشَّجَرَهُ

فعل امر

به آن درخت نگاه کن

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ

فعل ماضی

چگونه از یک دانه روئیده است؟

فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي

فعل امر

پس جست‌وجو کن و بگو این کیست که

وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي

فعل امر

و به خورشید نگاه کن که

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ فِيهَا

در آن روشنایی است و با آن

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا

فعل ماضی

این کیست که آن را پدید آورده

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي

آن همان خدایی است که

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَلَمَةِ

دارای حکمتی کامل

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ

فعل امر

به شب نگاه کن پس (بگو) چه کسی

وَ زَانَهُ بِالنَّجْمِ

فعل ماضی

و آن را با ستارگان زینت داد

وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ

فعل امر

و به ابر نگاه کن پس (بگو) چه کسی



درس‌نامه

فعل ماضی

فعلی است که برانجام کار یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. فعل ماضی در زبان عربی ۱۴ شکل دارد که به هر شکل «صیغه» گفته می‌شود. در جدول زیر ۱۴ صیغه فعل ماضی را به همراه ضمایران مشاهده می‌کنیم.

فعل ماضی	ضمیر		نام صیغه به فارسی و عربی	
فَعَلْتُ	أنا	من	متکلم وحده	اول شخص مفرد
فَعَلْتَ	أنتَ	تو	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
فَعَلْتِ	أنتِ		مفرد مؤنث مخاطب	
فَعَلَ	هو	او	مفرد مذکر غایب	سوم شخص مفرد
فَعَلَتْ	هي		مفرد مؤنث غایب	
فَعَلْنَا	نحنُ	ما	متکلم مع الغير	اول شخص جمع
فَعَلْتُمْ	أنتم	شما	جمع مذکر مخاطب	دوم شخص جمع
فَعَلْتُنَّ	أنثنَّ		جمع مؤنث مخاطب	
فَعَلْتُمَا	أنثما		مثنای مذکر مخاطب	
فَعَلْتُمَا	أنثما		مثنای مؤنث مخاطب	
فَعَلُوا	هم	ایشان	جمع مذکر غایب	سوم شخص جمع
فَعَلْنَ	هنَّ		جمع مؤنث غایب	
فَعَلَا	هُما		مثنای مذکر غایب	
فَعَلَتَا	هُما		مثنای مؤنث غایب	



فعل مضارع

فعلی است که برانجام کار یا روی دادن حالتی در زمان حال دلالت دارد. فعل مضارع در زبان عربی مانند فعل ماضی ۱۴ صیغه (شکل) دارد. در جدول زیر ۱۴ صیغه فعل مضارع را به همراه ضمایر آن مشاهده می‌کنیم.

فعل مضارع	ضمیر		نام صیغه به فارسی و عربی	
أَفْعَلُ	أنا	من	متکلمم و حده	اول شخص مفرد
تَفْعَلُ	أنتَ	تو	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
تَفْعَلِينَ	أنتِ		مفرد مؤنث مخاطب	
يَفْعَلُ	هو	او	مفرد مذکر غایب	سوم شخص مفرد
تَفْعَلُ	هي		مفرد مؤنث غایب	
نَفْعَلُ	نحنُ	ما	متکلمم مع الغير	اول شخص جمع
تَفْعَلُونَ	أنتم	شما	جمع مذکر مخاطب	دوم شخص جمع
تَفْعَلْنَ	أنتنَّ		جمع مؤنث مخاطب	
تَفْعَلَانِ	أنتما		مثنای مذکر مخاطب	
تَفْعَلَانِ	أنتما		مثنای مؤنث مخاطب	
يَفْعَلُونَ	هم	ایشان	جمع مذکر غایب	سوم شخص جمع
يَفْعَلْنَ	هنَّ		جمع مؤنث غایب	
يَفْعَلَانِ	هما		مثنای مذکر غایب	
تَفْعَلَانِ	هما		مثنای مؤنث غایب	

فعل مستقبل

فعلی است که برانجام کار یا روی دادن حالتی در زمان آینده دلالت دارد. فعل مستقبل در زبان عربی از فعل مضارع ساخته می‌شود. به این صورت که فقط در ابتدای فعل مضارع یکی از دو علامت «سَد» یا «سَوْفَ» را اضافه می‌کنیم.

مثال: سَيَكْتُبُ ← خواهد نوشت. سَوْفَ تَكْتُبُونَ ← خواهید نوشت.

فعل امر

فعل امر، فعلی است که برای دستور دادن یا درخواست کردن به کار می‌رود.

در زبان عربی، فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود.

برای ساخت فعل امر از شش صیغه مخاطب فعل مضارع استفاده می‌کنیم، زیرا به کسی می‌توان امر کرد که در حضور ما باشد. به همین دلیل به این فعل امر در زبان عربی «امر حاضر» می‌گویند.



فعل نهی

فعل نهی فعلی است که برای بازداشتن یا منع کردن به کار می‌رود.
در زبان عربی فعل نهی همانند فعل امر از افعال مضارع و شش صیغه مخاطب ساخته می‌شود.

فعل ماضی استمراری

فعلی است که در گذشته اتفاق افتاده ولی دارای تکرار بوده است.
این فعل در زبان عربی از «کان + فعل مضارع» ساخته می‌شود.

مثال: كَانَ يَكْتُبُ ← می‌نوشت كَانَا يَكْتُبَانِ ← می‌نوشتند

ترکیب وصفی و اضافی

اگر دو اسم در کنار هم بیایند که اسم دوم اسم اول را توصیف کند، به آن «ترکیب وصفی» می‌گوییم.
در ترکیب وصفی، اسم اول را **موصوف** و اسم دوم را **صفت** می‌نامیم.

مثال: الْصَّفُّ الْكَبِيرُ ← کلاس بزرگ
موصوف صفت

اگر دو اسم در کنار هم بیایند که اسم دوم به اسم اول نسبت داده شده باشد به آن «ترکیب اضافی» می‌گوییم.
در ترکیب اضافی، اسم اول را **مضاف** و اسم دوم را **مضاف الیه** می‌نامیم.

مثال: صَفُّ الْعَرَبِيَّةِ ← کلاس عربی
مضاف مضاف الیه

عربی

درس ۱

حواژ (التعارُف في مطارِ النَّجفِ الْأَشْرَفِ) گفت‌وگو (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف) صفحه ۴ کتاب درسی

أَحَدُ الْمُؤَطَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه	زَائِرٌ حَرَمِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ زائر حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. و بر شما سلام و رحمت خدا و برکاتش.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. سلام بر شما.
صَبَاحَ النَّوْرِ وَالشَّرْوِ. صبح شما هم به خیر و شادی.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. صبح بخیرای برادرم.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم، و تو چطوری؟	كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چطور است؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ بیخشید، تو اهل کجا هستی؟	بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. خوب، خدا رو شکر.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم شریف‌ت چیست؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. من اهل جمهوری اسلامی ایران هستم.



<p>إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَانِ. اسم من عبدالرحمان است.</p>	<p>إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟</p>
<p>لَا مَعَ الْأَسْفِ. لِكَيْتِي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. فعل مضارع فعل مضارع نه متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.</p>	<p>هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ فعل ماضی آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟</p>
<p>إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. فعل ماضی اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار، به سلامت.</p>	<p>إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانَ! فعل ماضی فعل مضارع اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی.</p>
<p>فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. در پناه خدا و حمایتش باشی ای دوستم.</p>	<p>فِي أَمَانِ اللَّهِ. خداحافظ.</p>

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. صفحه ۶ کتاب درسی

تمرین اول: این جمله‌ها را ترجمه کن، و نوع فعل‌ها را بنویس.

<p>روی دیوار ننویس</p> <p>فعل نهی</p>	<p>لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:</p>	<p>نامه‌ات را بنویس</p> <p>فعل امر</p>	<p>اُكْتُبْ رِسَالَتَكَ:</p>
<p>آنها به سرعت نمی نویسند</p> <p>فعل مضارع منفی</p>	<p>هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:</p>	<p>تکالیفتان را بنویسید</p> <p>فعل امر</p>	<p>اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:</p>
<p>ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت</p> <p>فعل مستقبل</p>	<p>إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:</p>	<p>درس‌ها را خواهیم نوشت</p> <p>فعل مستقبل</p>	<p>سَأَكْتُبُ دَرْسِي:</p>
<p>با دقت می نوشتند</p> <p>فعل ماضی استمراری</p>	<p>كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:</p>	<p>تمرین‌هایتان را نوشتید</p> <p>فعل ماضی منفی</p>	<p>مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:</p>

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَغْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ». صفحه ۷ کتاب درسی

تمرین دوم: در دایره عدد مناسب را قرار بده. «یک کلمه اضافی است.»

- ① الشَّرَّةُ ⑦ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- پاره آتش از سنگ‌های زیبا و گران بها و دارای رنگ سفید است.



۲) الشَّمْسُ

خورشید

۳) الْقَمَرُ

ماه

۴) الْأَنْعَمُ

نعمت‌ها

۵) الْأَلْبِيبُ

ابر

۶) الْفُسْتَانُ

پیراهن زنانه

۷) الدَّرَرُ

مرواریدها

۲) جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

پاره‌های آتش آن فروزان است، در آن روشنایی است و با آن گرما پراکنده می‌شود.

۳) كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.

فعل مضارع

ستاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد، نورش از خورشید است.

۵) بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

فعل مضارع

بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.

۶) مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

از لباس‌های زنانه با رنگ‌های گوناگون.

۱) قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

پاره‌ای از آتش

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: صَغْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. صفحه ۷ کتاب درسی

فعل امر

تمرین سوم: این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسب آن قرار بده.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَّارِيَّةُ	هَذَانِ الدَّلِيلَانِ	هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ	أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ	هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باتری	این دو راهنما	این دو شیشه	آن نیکوکاران	اینها برنده هستند.	این دوستان

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. صفحه ۸ کتاب درسی

فعل امر

تمرین چهارم: وزن و حروف اصلی کلمات زیر را بنویس.

۱) نَاصِرٌ، مَنصُورٌ، أَنصَارٌ: فاعِلٌ مفعولٌ أفعالٌ ن ص ر

۲) صَبَّارٌ، صَبُورٌ، صَابِرٌ: فَعَالٌ فَعُولٌ فاعِلٌ ص ب ر



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

صفحة ۸ کتاب درسی

فعل امر

تمرین پنجم: مترادف‌ها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده.

ضياء / نَامَ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَایَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / بِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدِّدٌ

رَخيصة ≠ غاليّة	راسِب ≠ ناجِح	يَسار ≠ يَمِين
ارزان ≠ گران	مردود ≠ موفق	چپ ≠ راست
بَيع ≠ بِرَاء	بِدَايَةٌ ≠ نِهَایَةٌ	بَعِيد ≠ قَرِيب
فروش ≠ خرید	شروع ≠ پایان	دور ≠ نزدیک
رَقَدَ = نَامَ	قَبِيح ≠ جَمِيل	نور = ضياء
خوابید = خوابید	زشت ≠ زیبا	نور = روشنایی
حَزِين ≠ مَسْرُور	مُجْتَهِد = مُجِدِّد	مَمْنُوع ≠ مَسْمُوح
غمگین ≠ خوشحال	کوشا = کوشا	ممنوع ≠ مجاز

عربی

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: أُرْسِمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.

صفحة ۸ کتاب درسی

فعل امر

تمرین ششم: عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا

یک ربع مانده به شش



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم



الخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

پنج و ربع